

# خواب شاهان هخامنشی نا آرام شد

نخستین نشانه‌های فرونشست در مردودشت اوایل دهه ۹۰ نمایان شد و همان روزها کارشناسان میراث‌فرهنگی نسبت به عواقب این اتفاق هشدار دادند

کارشناسان شرکت‌های تابعه وزارت نفت خبری از محتویات نظام‌نامه CSR آن ندارند

# آشفته‌گی مسئولیت اجتماعی

موضوع اصلی مسئولیت اجتماعی در حال حاضر ارزیابی است. پروژه‌های آن سال‌هاست که با هزینه بالا و اثربخشی بسیار کم یا حتی منفی انجام می‌شود



پرونده «پیام ما» از آنچه در کن گذشت **تنهایی پرهیاهو برنده نخل طلا**



اصرار شهرداری به کاشت نخل در شهری که روزی «چنارستان» بود **تهران با نخل دبی نمی‌شود**

# ترس از طالبان خلبان را سوزاند

از او در فضای مجازی یک برگه خروج مانده و یک عکس، برگه‌ای با تاریخ تولدی که شاید واقعی نباشد، با نام پدر و اسم و فامیل خودش.

کشاورزان، شهروندان و کسبه اظهار نگرانی می‌کنند

# «خرم‌آباد» در قرق ملخ‌ها

یک کشاورز لرستانی: ملخ جزو آفات مزارع بود، اما معمولاً چنین طغیانی نداشت. اما حالا همه‌جا هستند و کسی کاری انجام نمی‌دهد

فرصت کاهش انتشار کربن از دست می‌رود

# اقتصاد سیاسی علیه زندگی

دستگاه‌های متولی واکنشی به آبیاری زمین‌های کشاورزی کرج با فاضلاب نشان ندادند

# فاضلاب به سفره مردم رسید

یادداشت

# جهنم تخیل در بهشت گیلان!



بهنام صابرنعمتی | روزنامه‌نگار

اطلاع‌رسانی |

## با کسب مدال طلا صورت گرفت؛

## افتخار آفرینی شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر در جشنواره اختراعات رومانی

یکی از معتبرترین رویدادهای نوآوری در اروپاست که سالانه با حضور مخترعان، پژوهشگران و نهادهای تخصصی از سراسر جهان در کشور رومانی برگزار می‌شود و بستری برای معرفی اختراعات نوین، تبادل دانش و توسعه همکاری‌های فناورانه بین‌المللی را فراهم می‌کند.

خودروسازی، ماشین‌کاری و سایر حوزه‌های صنعتی را دارد. این طرح نوآورانه، در رقابت با بیش از ۵۶۰ اختراع از ۳۰ کشور، مورد توجه و تحسین هیئت داوران قرار گرفت و از سوی سه دانشگاه معتبر اروپایی، طرح برگزیده انتخاب شد. جشنواره بین‌المللی اختراعات EUROINVENT



دو مخترع شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر موفق شدند در جشنواره و مسابقات بین‌المللی EUROINVENT ۲۰۲۵ که در کشور رومانی برگزار شد، مدال طلا در بخش مهندسی مکانیک و جایزه ویژه سازمان جهانی مالکیت معنوی اختراعات (WIIPA) را کسب کنند. اختراع ارائه‌شده توسط سجاد آرمنند و عبدالرضا عبدالکریمی از کارکنان این شرکت، یک بازوی رباتیک صنعتی دارای نوآوری در طراحی مفصل‌هاست که قابلیت استفاده در صنایع فولاد،



یادداشت

# جهنم تخیل در بهشت گیلان!



بهنام صابرنعمتی | روزنامه‌نگار

مسئولان به‌جای پرداختن به فقر، بیکاری و نبود نه تنها به‌دنبال بهبود کیفیت زندگی شهروندان است، بلکه می‌خواهد سهمی از آینده جهان را به‌دست آورد. این کشور می‌داند ثروت نفت پایان‌پذیر است، اما دانش و فناوری می‌تواند امنیت اقتصادی بلندمدت ایجاد کند. اما در کشور ما، به‌جای سرمایه‌گذاری روی آموزش، پژوهش و فناوری‌های نوین، شاهدیم بودجه و انرژی صرف پروژه‌هایی می‌شود که هیچ بازدهی مادی یا حتی معنوی برای جامعه ندارد. آیا شبیه‌سازی جهنم با آتش واقعی، مشکلی از مردم ایران حل می‌کند؟ آیا ترساندن مردم از مرگ، به توسعه اقتصادی یا پیشرفت علمی کشور کمک می‌کند؟

امارات با سرمایه‌گذاری روی هوش مصنوعی، نانو فناوری‌های آینده پیش می‌رود، خبر همکاری «ابن‌ای‌آی» با دولت امارات برای ارائه تصویر از آینده‌نگاری را ترسیم می‌کند که می‌خواهند زندگی را ساده‌تر و دانش را در دسترس‌تر کنند. این اقدام در چارچوب پروژه «استارگیت امارات» انجام می‌شود که هدفش تبدیل این کشور به قطب هوش مصنوعی جهان است.

گیلان با طبیعت سرسبز، فرهنگ غنی و جاذبه‌های گردشگری بی‌نظیر، بحق «بهشت ایران» نامیده می‌شود. این استان می‌تواند با توسعه اکوتوریسم، کشاورزی مدرن و صنایع خلاق، به یکی از قطب‌های اقتصادی کشور تبدیل شود. اما به‌جای سرمایه‌گذاری روی این ظرفیت‌ها، شاهدیم منابع مالی و انسانی قرار است صرف ساخت «نمایشگاه جهنم» شود. آیا این بهترین استفاده از امکانات کشور است؟ چرا

در روزگاری که جهان با سرعتی حیرت‌آور به‌سمت فناوری‌های آینده پیش می‌رود، خبر همکاری «ابن‌ای‌آی» با دولت امارات برای ارائه تصویر از آینده‌نگاری را ترسیم می‌کند که می‌خواهند زندگی را ساده‌تر و دانش را در دسترس‌تر کنند. این اقدام در چارچوب پروژه «استارگیت امارات» انجام می‌شود که هدفش تبدیل این کشور به قطب هوش مصنوعی جهان است.

خبر

# «به وقت بهشت» در میدان تیر سابق

پروژه «ساعت به وقت بهشت» در زمینی انجام می‌شود که در زمان جنگ به لشکر ۱۶ قدس واگذار شده بود و قبل از این پروژه به عنوان میدان تیر از آن استفاده می‌شد. به گفته رسول نوروزی رئیس اداره منابع طبیعی فومن مساحت این زمین حدود ۲۵ تا ۲۶ هکتار است. پروژه «ساعت به وقت بهشت» که قرار است در آن شهروندان «وضعیت قبر»، «مواجهه با تکبر و منکر» و «عبور از پل صراط» را با آتش واقعی در روزهای اخیر واکنش‌های زیادی را به همراه داشته، کنشگران محیط‌زیست با توجه به فیلم‌های منتشر شده نگران تخریب در عرصه‌های طبیعی هستند.



با این حال نوروزی چنین نگرانی را بی‌مورد می‌داند و می‌گوید: «در این محدوده هیچ تخریبی انجام نشده است.» در یکی از فیلم‌های منتشر شده از سوی مدیران پروژه، پولدوزر زمان برداشت به درختچه‌ای برخورد می‌کند و شاخ و برگ‌ها در صحنه دیگری می‌بینیم که داخل کامیون ریخته می‌شود. با این حال رئیس اداره منابع طبیعی نظر متفاوتی دارد. «آنچه در فیلم‌ها می‌بینید گیاه همیشهک است، در این محدوده تخریبی انجام نشده است.» به گفته این مقام مسئول برای این پروژه واگذاری زمین از سوی منابع طبیعی انجام نشده و آنها در زمینی که بیشتر در اختیار گرفته بودند پروژه را انجام

# بحران کم‌آبی را جدی بگیریم

نویس اول

## آگهی تجدید مناقصه عمومی

شماره ۱۴۰۴/۲۱۸/ع



شرکت گهر پارک سیرجان (سهامی خاص) شماره ثبت ۵۵۰۶

شرکت گهر پارک سیرجان (سهامی خاص) در نظر دارد " تأمین بخشی از سیم و کابل مورد نیاز پروژه پارک آبی دهکده بزرگ گردشگری گهر پارک سیرجان " را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید. از این رو کلیه متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق سایت رسمی شرکت گهر پارک به آدرس [www.goharpark.ir](http://www.goharpark.ir) بخش مزایده‌ها و مناقصات اقدام نمایند.

- ۱- شرکت در رد و قبول کلیه پیشنهادات بدون هرگونه مسئولیت و جبران خسارت ادعایی مختار است.
- ۲- سپرده شرکت در مناقصه: ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال (دو میلیارد ریال) به صورت چک صیادی ثبت شده معتبر بانکی در وجه شرکت گهر پارک سیرجان.
- ۳- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات: ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۱ بوده و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- ۴- کلیه مشخصات لازم در اسناد مناقصه ذکر گردیده و پاکات فاقد مهر و لاک باز نمی‌شوند.
- ۵- محل تحویل اسناد: سیرجان کیلومتر ۲۰ جاده محور سیرجان- شیراز، واحد حقوقی و امور قرارداد های دهکده گردشگری گهر پارک آقای شهرآبادی

ضمناً می‌توانید جهت هماهنگی با اطلاعات بیشتر به شماره ۰۹۱۳۳۴۷۳۹۷۰ آقای دهمیدگاری روزانه از ساعت ۱۴ تا ۱۹ تماس حاصل فرمایید.

شرکت گهر پارک سیرجان (سهامی خاص)



— 1 — (CC)

کارشناسان شرکت‌های تابعه وزارت نفت خبری از محتویات نظام‌نامه CSR آن ندارند

# آشفتگی مسئولیت اجتماعی

**موضوع اصلی مسئولیت اجتماعی در حال حاضر ارزیابی است. پروژه‌های آن سال‌هاست که با هزینه بالا و اثربخشی بسیار کم یا حتی منفی انجام می‌شود**

## مسئولیت اجتماعی شرکتی در ایران ملغمه‌ای است بی سرو ته. این شرایط بیش از هم‌جا در همایش ملی «تجارب مسئولیت اجتماعی در ایران» مشهود بود؛ به‌خصوص در پنل «صنعت نفت و مسئولیت اجتماعی». به‌نظر می‌رسد در این صنعت که پیشینه‌دیرترین صنعت کشور در حوزه مسئولیت اجتماعی است، نقص‌ها و کم‌کاری‌ها بیش از هر جای دیگر در معرض دید قرار دارد. مشاور اجتماعی وزیر نفت از بازنگری در نظام‌نامه مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی (CSR) خبر داد. درحالی‌که گفت‌وگوهای مطرح‌شده در همان نشست نشان می‌داد شرکت‌های زیرمجموعه توجهی به نظام‌نامه موجود ندارند و حتی کارشناسان CSR شرکت‌های تابعه وزارت نفت خبری از محتویات آن ندارند.

**سؤال این است که آیا آنها اصلاً می‌دانستند که نظام‌نامه‌ای وجود دارد؟ مدیر مسئولیت اجتماعی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس که از انحرافات این مفهوم گلایه‌مند بود و به صرف هزینه‌ها، بدون اثربخشی و کارآمدی اشاره می‌کرد، از هزار میلیارد تومان بودجه مسئولیت اجتماعی در سال گذشته گفت‌که در منطقه پیرامونی عسولویه و ماهسر CSR هزینه شده است، اما هیچ اشاره‌ای به تأثیر این هزینه‌کردها در رفع آسیب‌های شرکت‌های متبوعشان نکرد. مدیر مسئولیت اجتماعی شرکت انرژی دانا از طرح‌های CSR این هلدینگ پرده برداشت؛ طرح‌هایی که تنها در پروژه توسعه میدان نفتی سهراب که در محدوده تالاب حفاظت‌شده هورالعظیم قرار دارد، پیگیری می‌شود و بیشتر جنبه اجتماعی دارد. گفته‌های او این سؤال را برای بسیاری از حاضران این پنل ایجاد کرده بود که آیا مسئولیت اجتماعی این شرکت نوعی بادبدهی و حق‌السکوت دادن به مردم محلی و مسئولین است؟ یا ناآگاهی از چیستی مسئولیت اجتماعی شرکتی؟ استاد دانشگاه شهید بهشتی، مخالف ایده منحرف شدن مسئولیت اجتماعی شرکتی در ایران بود، اما از دخالت نمایندگان و ناکارآمدی و ارزیابی نداشتن پروژه‌های آن می‌گفت!**

مدیر مسئولیت اجتماعی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس، «حامد شمس»، اولین سخنران این نشست بود. او بی‌پولی دولت و ناکارآمدی نهادهای دولتی و شبه‌دولتی را باعث بزرگترین جریان انحراف در مسئولیت اجتماعی دانست و گفت: «در شرایط کنونی با وجود صرف هزینه‌های بسیار اثربخشی و کارآمدی

نداشته‌اند و همه اعم از شرکت، مسئولان و مردم ناراضی هستند.»

شمس که معتقد بود مفهوم جدید با عنوان مسئولیت اجتماعی در کمتر از ربع‌قرن دچار انحراف بیشتر از مفاهیم و نهادهای قدیمی مانند یازنشستگی شده است، هدف اصلی اقدامات مسئولیت اجتماعی شرکت متبوع

### روایت‌هایی از چگونگی مرگ مهاجر افغان

## ترس از طالبان، خلبان را سوزاند

روی برگه خروج نوشتند متولد ۱۷ مرداد سال ۱۳۵۴ است. همان روزی که کنسولگری ایران در مزارشرف فتح شد. طالبان حاضرین در کنسولگری را کنار دیوار قرار دادند و هرکدام را ۵۰ بار گلوله‌باران کردند. اگر تاریخ تولدش واقعی باشد، او ۲۳ سال قبل از آن روز شوم، در یک ظهر تقتیده نیمه تابستان، متولد شده بود. ۱۷ مرداد امسال که می‌آمد، ۵۰ساله می‌شد. او ۵۰سالگی را ندید. دو هفته وقت داشت تا خودش را از خراسان‌رضوی به مرز برساند و از آنجا راهی افغانستان شود، افغانستانی که طالبان بیشتر از سه سال است در آن به قدرت رسیده است. او در سومین روز از این مهلت دوهفته‌ای خودش را در خانه‌اش در مشهد آتش زد. ۲۸ اردیبهشت، خبر جان باختن او به رسانه‌ها رسید و بعدتر هویتش آشکار شد. برخی می‌گویند ترس از طالبان کفر مرگ را در او پرورنگ کرده است. ترس به جان بسیاری دیگر از مهاجران افغانستانی هم افتاده است. «مسئله دیگر از حق تحصیل و آزادی گذشته، مسئله مرگ و زندگی است.»

از او در فضای مجازی یک برگه خروج مانده است و یک عکس، برگه‌ای با تاریخ تولدی که شاید واقعی نباشد، با نام پدر و اسم و فامیل خودش؛ «محمدامیر توسلی».

چند روز گذشته وقتی به او برگه خروج از ایران می‌دهند، در نهایت خودش را می‌سوزاند. روزنامه‌های افغانستان، این مرد را امیرمحمد توسلی معرفی و برگه خروجش را منتشر کرده‌اند. جزئیات تفاوت‌هایی دارد. مانند بسیاری دیگر از مهاجران که حتی گاهی خودشان هم نمی‌دانند چه زمانی متولد شدند. مثلاً درحالی‌که او ۴۰ساله معرفی می‌شود، در برگه خروج تولدش ۱۷ مرداد سال ۵۴ ذکر شده است. روزنامه «ا‌ل‌اعلام روز» در گزارشی او را خلبانی اهل ولسوالی لعل و سرچنگل ولایت غور افغانستان معرفی می‌کند و به‌نقل از «محمد محقق»، رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، از خودسوزی این مرد بعد از دریافت برگه خروج خبر می‌دهد. این روزنامه در گزارش دیگری او را خلبانی معرفی می‌کند که ۱۴ سال در ایران زندگی کرده و مشکلات روحی داشته است. مشکلاتی که البته به‌گفته یکی از اعضای خانواده، آنقدر شدید نبود که باعث خودسوزی او شود. همسایه او در گشت‌وگو با «پیام ما» علت ناراحتی‌های روحی او را شکنجه و زندانی شدن در زندان‌های طالبان می‌داند. اطلاعات روز در گزارش دیگری تأیید می‌کند که مسئولان دفتر کفالت به او گفتند پولش را از بانک بردارد و ظرف ۱۵ روز از ایران خارج شود. روزنامه «هشت صبح» نیز فرد را محمدامیر توسلی،



| فرح ابوطالبی |

| پژوهشگر فرهنگی |

اجتماعی، برای نخستین‌بار ائتلاف اجتماعی فراگیری تشکیل دهیم که در نتیجه آن، حق تابعیت از مادر به فرزند نیز منتقل شد. این دستاورد مهم، هرچند در اجرا و در سطح وزارت کشور و استانداری‌ها با چالش‌هایی همراه شد، اما نتیجه اتحاد و تلاش بازیگران کلیدی اجتماعی بود.» شمس افزود: در این روند، بخش خصوصی، شرکت‌ها، کسب‌وکارهای حاکمیتی، سازمان‌های مردم‌نهاد نقش بسیار پررنگی داشتند و شهروندان و گروه‌های مردمی نیز پایه و قاعده این بنیان اجتماعی را تشکیل دادند.

به‌نظر می‌رسد مدیر مسئولیت اجتماعی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس در ادامه صحبت‌هایش جامعه و بنیان اجتماعی را فراموش کرد. او از طرحی گفت که به‌زعم خودش می‌تواند جایزه اسکار مسئولیت اجتماعی بگیرد، طرحی که در آن «بیش از هزار دانش‌آموز از پایه هشتم و نهم به بالا بورسیه تحصیلی دریافت کردند». او تأکید کرد: «هرچند این برنامه در زمان مدیریت بعدی ادامه نیافت، اما رویکرد فراهم‌کردن فرصت برابر برای دانش‌آموزان مستعد کم‌بضاعت این منطقه، بزرگ بود. به این دانش‌آموزان از خانواده‌های کم‌برخوردار، از هزینه رفت‌وآمد تا مشاوره پیش از دانشگاه، راهنمایی کنکور و کم‌هزینه‌های خارج از مدرسه تعلق گرفت.» و این سؤال را در ذهن مخاطبین ایجاد کرد که آیا واقعاً چنین فعالیت کوچک و با تأثیرات نامشخصی می‌تواند فعالیتی بزرگ خوانده شود؟ و آیا شمس در اینجا فراموش کرد که جامعه قدرت تشخیص و تحلیل دارد؟

دیگر سخنران این نشست «مهديه پورشاد»، مدیر مسئولیت اجتماعی شرکت انرژی دانا، بود؛ شرکتی که پروژه سهرایش در محدوده تالاب حفاظت‌شده هورالعظیم انتقادات و واکنش‌های بسیاری را برانگیخته بود. بااین‌حال، او در بیان تجارب مسئولیت اجتماعی این شرکت رکن اصلی در برنامه‌های مسئولیت اجتماعی‌شان را تعامل با جامعه و مدیریت تأثیرات پروژه، ارتقای اعتبار اجتماعی، مدیریت ریسک‌های اجتماعی و کاهش فقر قابلیت‌های معرفی کرد و گفت: «تمامی برنامه‌های ما دارای طرح توجیهی، پیوست اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی، تعیین ذی‌نفعان، چارچوب منطقی اجرا، شرح عملیات و گزارش ریز هزینه‌کرد هستند. پس از اتمام پروژه نیز مسئول مشخصی برای نگهداری و بهره‌برداری تعیین می‌شود تا پروژه رها نشود و پایدار بماند.» جالب اینکه مهمترین دستاوردهای این شرکت در حوزه مسئولیت اجتماعی تنها در پروژه سهراب انجام گرفته بود. او درباره دستاوردهای شرکت خود گفت: «سرویس و تجهیز تمام مدارس و مراکز آموزشی شهرستان هویزه و شهر بوستان بود که پس از ۲۰ سال محقق شد.» پورشاد که همراه بودن هرگونه کمک نقدی یا تجهیزاتی با برنامه توسعه‌ای بلندمدت را نکته کلیدی می‌دانست و گفت «صرفاً اقدامات خیریه بدون پیوست توسعه‌ای مؤثر نخواهد بود»، نگفت چرا تجهیز مدارس و مراکز آموزشی مهتر از حفظ محیط‌زیست است و چرا فعالیت‌های محیط‌زیستی این شرکت تنها در «تهیه اطلس گونه‌های در معرض خطر» خلاصه شده و «برنامه اقدام مشترک در حفظ تالاب‌ها»ی این شرکت کدام است؟

در ادامه «حسین محمودی»، استاد دانشگاه شهید بهشتی، در حالی از باور شمس به وجود انحرافات در مسئولیت اجتماعی شرکتی انتقاد کرد و گفت «در باره سیاست‌گذاری‌ها نیز مشکل مفهومی نداریم و دوره آن را گذرانده‌ایم» که در صحبت‌های خود موارد متعددی از این

نشانی از او در گزارش نباشد: «ما همه خانواده‌مان نظامی هستیم. یکی از برادرانم الان فراری است؛ وقتی طالبان آمد فرار کرد ایران. هیراج مدرکی با خودش نیاورد که ثابت کند، نظامی بود. الان هم فرار کرده تا او را دوباره به افغانستان برنگردانند.» او می‌گوید در افغانستان سرنوشت خوبی در انتظارشان نیست: «گفتند که با مسئولان دولت قبلی کار ندارند، اما بایومتریمی‌مان را دارند، دستگیرمان کنند، می‌فهمند که خانوادگی نظامی بودیم، از ما اسلحه می‌خواهند، می‌گویند اسلحه‌ها را برگردانید، مگر اسلحه‌ها دست ماست؟» «حسین» فرد دیگری است که از ما خواسته نامی مستعار برایش انتخاب کنیم. او می‌گوید مسئله‌ای که مهاجران در این روزها با آن مواجه‌اند، جانشان است: «افرادی هستند که جزو دولت نبودند، اما اگر به افغانستان بازگردند، جانشان در خطر است. مثلاً افرادی که در خیزش‌های مردمی بودند و کسانی که با طالبان جنگیدند، اما جزو کادری‌های ارتشی نبودند. در افغانستان ساختار قومی و قبیله‌ای است و افراد یکدیگر را می‌شناسند و می‌دانند که چه کسانی با طالبان جنگیدند و طالبان این افراد را شناسایی می‌کنند.» او از دختران نوجوان هم می‌گوید: «این

روایت‌ها مستند شده که طالب ممکن است از دختری ۱۲–۱۳ساله خوشش بیاید و او را به‌زور به ازدواج خودش در بیاورد. افرادی هستند که مثلاً اقوام و آشنایانشان را به ازدواج دخترانشان درمی‌آوردند تا فقط دخترشان به‌دست طالب‌ها نیفتند. من خانواده‌ای را می‌شناسم که همین بلا سرش آمد، هر دو دخترش، او و خانواده‌اش، در آن روزها هجرت کردند و به‌زور از سرز می‌نشانم که پدر خانواده به دختر تعرض زد مرز شدن، آن خانواده همچنان می‌تواند برای طالبان هدف باشد و مورد آزار.»

#### زندشواری‌های رفتن

«بلاغیبه قبل از عید ما را شوکه کرد.» این جمله‌های «صبا قدیمی»، پژوهشگر اجتماعی، است. او می‌گوید تصور می‌کرده است بعد از تغییر دولت، سیاست‌های سازمان ملی مهاجرت درباره مهاجران بدون مدرک تغییر کند، اما این روزها شرایط متفاوت‌تر شده است: «به برخی از خانواده‌ها که برای تمدید اقامت مراجعه کردند، برگه خروج دادند؛ مثل خانواده‌های بدون فرزند. به آنهایی که بچه داشتند، تا پایان تحصیل فرزندشان مهلت داده می‌شد و بعد برگه خروج دریافت کردند.» صبا قدیمی می‌گوید نه‌فقط کسانی که در سال‌هایی

انحرافات را برشمرد. او گفت: «موضوع اصلی مسئولیت اجتماعی در حال حاضر ارزیابی و سنجش اثربخشی است. باید به‌طور مرتب ارزیابی و اثربخشی پروژه‌های مسئولیت اجتماعی (CSR) سنجیده شوند و نباید فقط به گزارش‌های سطحی اکتفا کنیم.»

محمودی همچنین به بند پنجم نظام‌نامه مسئولیت اجتماعی وزارت نفت اشاره کرد که به موضوع اثرسنجی پرداخته است و گفت: «نکته مهم این است که پروژه‌های موفق به مدت طولانی و با مشارکت مردم ادامه داشته‌اند. این گونه اقدامات، نه‌فقط کاشت درخت یا ساخت یک مدرسه، بلکه ایجاد تأثیر پایدار اجتماعی است.»

این استاد دانشگاه مشارکت جامعه، تأثیر بلندمدت، هم‌راستایی یا نیازهای مردم، شفافیت و پاسخگویی را برای مهم دانست و گفت: «همه این موارد باید در ارزیابی تأثیرات پروژه‌های مسئولیت اجتماعی سنجیده شوند. گاهی این پروژه‌ها با هزینه بالا اما اثربخشی بسیار کم یا حتی نتیجه منفی انجام می‌شود که بسیار دردآور است.» او با تأکید بر استفاده از روش‌های نوین سنجش بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری گفت: تنها ساخت مدرسه کافی نیست، باید بررسی کنیم این سرمایه‌گذاری واقعاً چه بازدهی اجتماعی داشته است.

محمودی از دیگر معضلات مسئولیت اجتماعی در دولت فعلی حضور افراد بی‌تخصص در جایگاه مشاور شرکت‌ها دانست و با تأکید بر اینکه باید نگاه خود به مفهوم ذی‌نفع و تحلیل ذی‌نفعان نیز اصلاح کنیم، گفت: «اغلب ادبیات سرمایه‌داری را وارد پژوهش‌ها می‌کنیم، اما باید مفاهیم را متناسب با شرایط ایران بازتعریف کنیم.» آسیب‌های جدی دخالت برخی نمایندگان مجلس در مسئولیت اجتماعی شرکتی از آن دیگر نکاتی بود که محمودی از آن گلایه داشت و گفت: «ضرورت دارد تصمیم‌گیری‌ها علمی و مبتنی‌بر داده باشد و افزایش شفافیت و همکاری با مردم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد» او پیشنهاد داد در مناطق مختلف، طی چند سال، نمونه‌هایی از پروژه‌ها انتخاب و با هم مقایسه شوند تا میزان بازده اجتماعی آنها را سنجیده و نتیجه به نمایندگان مجلس و تصمیم‌گیران منتقل شود. او همچنین از «سندروم ناتور» یاد کرد که در مناطق غرب‌کارون در حال گسترش است و توضیح داد: در غرب کارون میل شدیدی به ورود به شغل‌های نگرهانی و حراست وجود دارد، حتی اگر آموزش صنعتی دیده باشند.

تأکید بر ارزش‌گذاری اجتماعی و سنجش دائمی پروژه‌ها و اهمیت استفاده از تجارب داخلی و جهانی برای ارتقای مسئولیت اجتماعی در صنعت نفت و سایر حوزه‌ها، پایان‌بخش صحبت‌های محمودی بود. او گفت: «این مسیر سخت، اما حیاتی است.»

این نشست که با تأکیدات مدیر نشست، مشاور اجتماعی وزیر نفت، بر اهمیت نظام‌بندی مسئولیت اجتماعی شرکتی آغاز شده بود، بعد از سه ساعت (یک‌ساعت بیشتر از زمان تعیین‌شده برای نشست) و با بیان شدن عدم آگاهی کارشناسان مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تابعه از نظام‌نامه مسئولیت اجتماعی این وزارت پایان یافت. دارایی در آغاز نشست بر ضرورت نظام‌مند کردن CSR اشاره کرده و گفته بود: «مسئولیت اجتماعی باید در قالب یک نظام‌نامه و با نظام‌بندی انجام شود.» او همچنین بازنگری در نظام‌نامه مسئولیت‌های اجتماعی صنعت نفت خبر داده بود و افزود بود: «رویکرد دولت چهاردهم، ارتقای مشارکت اجتماعی است و ما می‌کشیم اقدامات توسعه و نگهداشت، کیفیات لازم برای مسئولیت‌های اجتماعی را انجام دهیم.»

### گزارش

خبر وارد ایران شدند که بسیاری از افراد برگه خروج گرفتند؛ مثل کسانی که در دهه ۸۰ وارد ایران شدند و برگه سرشماری داشتند. او هم مانند بسیاری دیگر از فعالان اجتماعی، روایت‌هایی از سخت بودن اثبات در خطر بودن جان دارد. او می‌گوید این روزها برخی خدمات هم در سفارتخانه انجام نمی‌شود: «یک مورد را می‌شناسم که پدر خانواده به دختر تعرض می‌کند. ما تلاش کردیم تا طلاق مادر را ثبت کنیم. اینها طلاق شرعی گرفتند، اما طلاق هنوز رسمی نشده است. ما حتی به دفتر یک آیین‌الله افغانستانی در قم هم مراجعه کردیم، اما او حاضر نشد صیغه طلاق را بخواند تا طلاق رسمی شود. الان پدر برگه خروج گرفته است و باید با خانواده از ایران برود. براساس فقه خودشان همسرش الان سطلاقه شده و اگر همگی با هم به افغانستان بروند، امکان زندگی باهم را ندارند و معلوم نیست چه به سر دختر می‌آید.»

رئیس مرکز امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور فروردین امسال اعلام کرد در سال ۱۴۰۲ حدود یک میلیون و ۲۶۰ [هزار] نفر از ایران اخراج شدند. آماری که احتمالاً امسال بیشتر از سال‌های قبل باشد. آدجهایی منهای، سوزه این گزارش.



فرصت کاهش انتشار کربن از دست می‌رود

# اقتصاد سیاسی علیه زندگی



| فاطمه باباخانی |

روزنامه‌نگار|

بهزاد ملک‌پور، مترجم کتاب «بحران آب‌وهوایی و پیمان نوین سبز جهانی» با اشاره به اینکه وقتی نام نوام چامسکی را به‌عنوان نویسنده این اثر دیدم، برایم جالب بود که او، که عمدتاً به‌عنوان یک فیلسوف و فعال سیاسی شناخته می‌شود، با یک اقتصاددان به‌نام رابرت پالین درباره موضوع تغییراقلیم گفت‌وگو کرده است. رابرت پالین در «بحران آب‌وهوایی و طرح نوین سبز جهانی: اقتصاد سیاسی نجات زمین» وارد مباحث اقتصادی و عدد و رقم و محاسبات علمی به‌ویژه در زمینه اقتصاد انرژی و تغییراقلیم می‌شود، اما چامسکی بیشتر از منظر فلسفه سیاسی و انتقاد از نظام جهانی موضوع را بررسی می‌کند.

به‌گفته او، این دو شخصیت از دو جهان متفاوت آمده‌اند؛ یکی اقتصاددان و دیگری فیلسوف انتقادی، اما آنها توانسته‌اند کنار هم بنشینند و یک کتاب منسجم و باارزش درباره تغییراقلیم خلق کنند. این مترجم افزود: «این نکته برای من بسیار آموزنده است؛ چون در فضای علمی و فکری ما کمتر شاهد این نوع گفت‌وگوها هستیم که تبدیل به کتاب و منبع جدی شود. کتاب از نظر تأثیرگذاری و اهمیت هم بسیار شناخته‌شده است؛ به‌طوری‌که جزو ۲۰ کتاب برتر حوزه تغییراقلیم شناخته شده و در سایت‌های علمی، ارجاعات زیادی به آن داده شده است.»

این مترجم با اشاره به اینکه رابرت پالین از سال ۲۰۱۵ به‌طور مستمر روی اقتصاد انرژی و تغییراقلیم کار می‌کند و این گفت‌وگوها و نوشته‌ها نتیجه سال‌ها پژوهش و فعالیت علمی او است، گفت: «در کتاب، بحث مالکیت و اقتصاد اکوسیستم هم مطرح می‌شود؛ جایی که پالین و چامسکی اختلاف‌نظر دارند. پالین بیشتر از منظر اقتصاد کاربردی به موضوع نگاه می‌کند، درحالی‌که چامسکی بیشتر دغدغه سیاسی و انتقادی دارد. یکی از فصل‌های مهم کتاب، فصل سوم است که به طرح نوین سبز جهانی اختصاص دارد. این طرح توسط پالین مطرح شده و اصول و چارچوب‌های مشخصی دارد که می‌تواند راهگشای مقابله با بحران اقلیمی باشد. این طرح از سال ۲۰۱۵ به‌صورت مقاله منتشر شده و در سال ۲۰۱۸ گسترش یافته است.»

اولین اصل این طرح به‌گفته ملک‌پور، محدود کردن گرم شدن زمین به ۱.۵ درجه سانتیگراد است. او افزود: در گزارش ۲۰۱۸ سازمان بین‌المللی تغییراقلیم (IPCC) آمده است اگر نتوانیم تا سال ۲۰۵۰ انتشار کربن را به صفر برسانیم، به ۲ درجه گرم شدن خواهیم رسید. که نقطه غیرقابل بازگشت و بسیار خطرناکی است. اما متأسفانه با روند فعلی، تولید گازهای گلخانه‌ای نهایتاً کاهش نیافته بلکه افزایش هم داشته است.

ملک‌پور افزایش بهره‌وری انرژی و گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر را دومین اصل دانست و گفت: «استفاده از انرژی‌های خورشیدی، بادی و سایر منابع پاک باید جایگزین انرژی‌های فسیلی شود. این یک ضرورت انکارناپذیر است، اما این گذار همراه با چالش‌های فراوانی است.»

عدالت اجتماعی و توجه به طبقه کارگر اصل سومی بود

کسانی که درباره این طرح صحبت کرده‌اند، با نگاهی همدلانه و انتقادی به آن نگریسته‌اند.»

به‌گفته جعفری، حمایت دو متفکر از این طرح جهانی بر این اصل استوار است که ما در حال حاضر در «پنجره اقلیمی» و اضطراب اقلیمی قرار داریم، بدین‌معنی که فرصتی محدود برای جلوگیری از گرمایش فاجعه‌بار زمین باقی مانده است: «طبق محاسبات و همچنین پیمان پاریس، تا سال ۲۰۵۰ باید به مرحله خاصی در کاهش انتشار کربن می‌رسیدیم، اما این فرصت به‌سرعت در حال بسته‌شدن است. ما الان از مرز ۱.۵ درجه عبور کرده‌ایم و به ۱.۶-۱.۷ درجه رسیده‌ایم. اگر این روند ادامه یابد، تا ۲۰۲۳ به ۲ درجه خواهیم رسید. جالب اینجاست که طبق جدیدترین محاسبات، حتی با در نظر گرفتن تعهدات فعلی دولت‌ها، گرمایش زمین تا ۲۰۵۰ به ۲.۹ درجه خواهد رسید.»

جعفری با اشاره به اینکه در ایران و خاورمیانه وضعیت بدتر است و منطقه ما دو برابر میانگین جهانی گرم شده، گفت: «درحالی‌که جهان سالانه حدود ۰.۲۶ درجه گرمایش داشته، خاورمیانه ۰.۴۱ درجه افزایش می‌دهد اما تجربه کرده است. تابستان گذشته در ایران، دما ۲.۱ درجه نسبت به میانگین ۵۰ سال گذشته افزایش یافت، درحالی‌که میانگین جهانی ۱.۶ درجه بود. این گرمایش اثرات ملموسی دارد که نمونه آن آتش‌سوزی‌های گسترده، سیل‌های ویرانگر و خشکسالی‌های ممتد است. کشورهای درحال‌توسعه بیشترین آسیب را می‌بینند، درحالی‌که سهم آنها در ایجاد این بحران ناچیز است.»

به‌گفته او، آمارها نشان می‌دهد ۵۰ درصد جمعیت جهان نقشی در گرمایش جهانی نداشته‌اند. در مقابل، ۲۶ شرکت بزرگ مسئول ۵۰ درصد انتشار گازهای گلخانه‌ای هستند. ۱۰ درصد جمعیت ثروتمند جهان ۴.۵ درصد گازهای گلخانه‌ای را تولید می‌کنند. این ناعادلانی دست در گزارش‌های معتبری مانند چشم‌انداز انرژی جهانی نیز تأیید شده است: «طرح نوین سبز با این فرض مطرح می‌شود که پنجره اقلیمی در حال بسته شدن است و نیاز به اقدام فوری داریم. اما مشکل اینجاست که حتی کشورهای اروپایی که بیشترین کاهش را در انتشار گازهای گلخانه‌ای داشته‌اند، برای رسیدن به اهداف ۲۰۵۰ نیاز به ۲۲۰ سال زمان دارند! این طرح چند نقطه ضعف اساسی دارد که عمدتاً به ساختارهای موجود برمی‌گردد. این طرح در این ساختارها و بر بنیان‌های آن قرار دارد، ناتوان از تأثیرگذاری است. این طرح به‌لحاظ فنی، همان‌طوره که پالین به‌عنوان اقتصاددان شرح می‌دهد، عملیاتی است اما می‌توان گفت در مناسبات اقتصاد سیاسی موجود، عملی نیست. در همین کتاب چامسکی اشاره می‌کند که ما ناچاریم در چارچوب سرمایه‌داری این طرح را اجرا کنیم

و بعد با تقویت جامعه مدنی و ایجاد بسیج عمومی بتوانیم منطق ویرانگر سرمایه‌داری را کنترل کنیم. اما آیا بنا به تجربه این شدنی است؟ شدنی نیست؛ چراکه سیستمی کار می‌کند که منطق سود و منطق انباشت بر آن غالب است و سرمایه، به‌ویژه از هه ۷۰ میلادی که رسید.»

این پژوهشگر تغییراقلیم با اشاره به اینکه برخی معتقدند طرح جدید سبز نو راهی برای نجات سرمایه‌داری از بحران محیط‌زیستی است، همان‌طوره که نیو دیل روزولت سرمایه‌داری را از بحران ۱۹۳۰ نجات داد: «واقعیت این است که سرمایه‌داری همیشه از بحران‌ها سود برده است. امروز هم انرژی سبز به حوزه جدیدی برای انباشت سرمایه تبدیل شده است. درنهایت، این طرح با وجود مزایایش، در عمل با موانع ساختاری جدی روبه‌روست؛ در بنیان اقتصاد سیاسی موجود تغییری نمی‌دهد، کاری به مصرف تجملاتی و تولید کالاهای غیرضروری ندارد و مسئله استثمار و کارگران را نادیده می‌گیرد. درنتیجه بدون تغییر در منطق حاکم بر نظام اقتصادی و سیاسی، و بدون بسیج مردمی گسترده، بدون مالکیت دموکراتیک اجتماعی بر ابزار تولید، طرحی خوشبینانه روی کاغذ است.»

**نکٔ سازگاری یا کاهش انتشار؟**

مهسا غفوری‌فام، دیگر مترجم این اثر گفت: «اولین کتابی که در حوزه سیاست و اقتصاد اقلیمی توجه مرا جلب کرد، کتاب «ناثومی کلاین» با عنوان «آخرین فرصت تغییر» بود. او در این کتاب به‌وضوح نشان می‌دهد نظام سرمایه‌داری فعلی، که مبتنی‌بر بازار آزاد و سود حداکثری در کوتاه‌مدت است، عملاً پرداختن به تغییراقلیم را تهدیدی برای خود می‌داند. چون مقابله واقعی با بحران اقلیم یعنی حمله به ایدئولوژی حاکم بر اقتصاد جهانی. اما سؤالی که پیش می‌آید، این است: آیا ابرقدرت‌ها و شرکت‌های چندملیتی واقعاً حاضرند از منافع حاصل از سوخت‌های فسیلی چشم‌پوشی کنند و به جنبش‌های سبز اجازه بروز دهند؟»

این مترجم با بیان اینکه یکی از نکاتی که کلاین مطرح می‌کند، این است که ما نیاز به یک شوک اجتماعی از پایین به بالا داریم؛ شوکی که برخاسته از مردم و جامعه باشد: «وقتی سیاستمدارانی مثل دونالد ترامپ، که در رأس قدرت هستند، انکار می‌کنند که اصلاً تغییراقلیم وجود دارد و آن را غیرانسان‌زاد می‌دانند، این انکار به کل دولت و ملت سرایت می‌کند. مردم از دست‌دادن شغل و معیشتشان را ترسناک‌تر از

بحران اقلیم می‌بینند و درنتیجه به‌جای پایداری محیط‌زیستی، نوعی «گذشت جمعی» برای حفظ منافع اقتصادی دولت‌مردان شکل می‌گیرد. به همین دلیل، اقشار ضعیف جامعه چندان تمایلی به پذیرش گذار عادلانه از سوخت‌های فسیلی به‌سمت اقتصاد سبز ندارند و اغلب محافظه‌کارانه برخورد می‌کنند.»

او افزود: «جنبش‌هایی مانند جنبش عدالت اقلیمی بر حمایت از اقتصادهای محلی تأکید دارند، اما سؤال اینجاست که دولت‌ها چقدر از چنین طرح‌هایی حمایت می‌کنند؟ آیا نهادهای عمومی و تصمیم‌گیرنده اجازه می‌دهند مردم وارد چنین طرح‌هایی شوند؟ آیا ابرقدرت‌ها حاضرند فضا را برای مشارکت مردمی باز کنند؟ اینکه یک دختر نوجوان از «جمعه‌های پایدار برای آینده» بگوید، واقعاً چقدر می‌تواند در مقابل ساختارهای قدرت قد علم کند؟»

به‌گفته او، صرف بیان این گزاره که باید تولید کربن را محدود کنیم و به‌سمت انرژی‌های پاک مثل باد و خورشید برویم، با چالش‌های جدی اقتصادی همراه است: «من به‌طور خاص درباره انرژی بادی و خورشیدی در آلمان تحقیق می‌کنم. این منابع انرژی در کوتاه‌مدت سود چندانی ندارند و بسیار هزینه‌بر هستند. درحالی‌که سیاستمداران معمولاً به‌دنبال سود لحظه‌ای و کوتاه‌مدت‌اند. به همین دلیل، جنبش «انکار تغییراقلیم» شکل گرفته؛ عده‌ای می‌گویند اصلاً این بحران نتیجه فرایندهای طبیعی است و ربطی به فعالیت‌های انسانی ندارد. وعده‌هایی از قبیل طرح‌های سبز گرفته تا انرژی‌های تجدیدپذیر هم برای بسیاری از مردم شبیه وعده‌های جسورانه و غیرعملی هستند. درحالی‌که آنچه نیاز داریم، یک شوک جمعی، اراده عمومی و یک بسیج جهانی برای گذار واقعی به‌سمت توسعه پایدار است.»

او با بیان اینکه اگر کسی بخواهد در حوزه سیاسی و اقتصادی تغییراقلیم مطالعه کند، باید به این نکته توجه کند که کشورهایی نظیر ایالات متحده در هر توافق بین‌المللی محیط‌زیستی سعی می‌کنند تضررهای بگنجانند که خودشان را از تعهدات مستتتا کنند، افزود: «از طرفی، رقابت شدیدی بین کشورها وجود دارد؛ کشورهای کم‌توسعه‌یافته می‌گویند باید اجازه داشته باشند به همان اندازه‌ای که کشورهای توسعه‌یافته از سوخت‌های فسیلی استفاده کرده‌اند، استفاده کنند؛ حتی اگر این به ضرر خودشان باشد.

غفوری‌فام با اشاره به اینکه با رویکردی اجتماعی به این مسئله علاقه‌مند شده و مطالعه کرده است، بیان کرد: «رویه‌های مختلفی برای مقابله با تغییراقلیم ارائه شده‌اند. در ابتدا گفته می‌شد باید روی «سازگاری» کار کنیم؛ یعنی مردم با شرایط جدید مواجه شوند. سپس صحبت از «کاهش انتشار» با کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و کاهش گازهای گلخانه‌ای شد. اما اکنون بسیاری معتقدند ترکیبی از این دو نیاز است، چون به‌تئهایی هیچ‌کدام کافی نیستند.»

این مترجم گفت: «نتیجه‌ای که من از پایان‌نامه و تجربه‌ام گرفتم، این بود که نباید نقش شهروندان را، که به‌نظرم حلقه گمشده اصلی هستند، فراموش کنیم. شاید برخی از این طرح‌ها بلندپروازانه یا دور از ذهن به‌نظر برسند، اما اگر مردم آگاه شوند، اطلاع‌رسانی شفاف صورت گیرد و شهروندان در تدوین و اجرای طرح‌ها نقش فعال داشته باشند، آن‌وقت می‌توان امیدوار بود که این طرح‌ها، اگر نه در آینده نزدیک، ولی در میان‌مدت و بلندمدت عملی شوند.»



بهزاد ملک‌پور: در فرایند گذار

به انرژی‌های پاک، نخستین

کسانی که متضرر می‌شوند

کارگران صنایع سوخت‌های

فسیلی هستند. سؤال مهم

این است که چگونه می‌توان

این گذار را بدون آسیب به

زندگی و معیشت این گروه

بزرگ از جامعه به انجام رساند



محمدرضا جعفری: طرح

نوین سبز با این فرض مطرح

می‌شود که پنجره اقلیمی در

حال بسته‌شدن است و نیاز به

اقدام فوری داریم. اما مشکل

اینجاست که حتی کشورهای

اروپایی که بیشترین کاهش

را در انتشار گازهای گلخانه‌ای

داشته‌اند، برای رسیدن به

اهداف ۲۰۵۰ به ۲۲۰ سال

زمان نیاز دارند



مهسا غفوری‌فام: وعده‌هایی

از قبیل طرح‌های سبز

تا انرژی‌های تجدیدپذیر

برای بسیاری از مردم شبیه

وعده‌های جسورانه و غیرعملی

هستند؛ درحالی‌که آنچه نیاز

داریم، یک شوک جمعی

اراده عمومی و بسیج جهانی

برای گذار واقعی به‌سمت

توسعه پایدار است



ایستگاه

**کشاورزی بی‌رویه** و **غیرکارشناسی بلای جان تخت‌جمشید**

# خواب شاهان هخامنشی نا آرام شد

## الزامات استانداردسازی موزه شاه نعمت‌الله ولی

موزه آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی در شهر ماهان استان کرمان، یکی از گنجینه‌های ارزشمند تاریخی و فرهنگی ایران است که مجموعه‌ای از نسخ خطی قرآنی و آثار مکتوب بارزاش را در خود جای داده است. با این حال، اتفاقات اخیر از جمله سرقت نسخه‌های نفیس قرآن، زنگ خطر وضعیت نگهداری این گنجینه را برای جامعه فرهنگی و علمی کشور به صدا درآورده است. «علیرضا هاشمی‌نژاد» نسخه‌پژوه و استاد دانشگاه شهید بهنر کرمان، با اشاره به وضعیت اسفبار نگهداری آثار در این موزه، لزوم بازنگری جدی در ساختار مدیریتی و حفاظتی آن را مطرح کرده است.

در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳، ویدئویی از یک سرقت علنی در فضای مجازی منتشر شد که سارق با آرامش کامل، نسخه‌هایی از قرآن خطی را از موزه شاه نعمت‌الله ولی خارج می‌کند. تنها یک روز بعد، مقامات قضایی شهرستان ماهان وقوع سرقت را تایید کردند. گرچه در ۳۰ اردیبهشت خبر بازداشت سارق و بازگرداندن آثار منتشر شد، اما مسئله اصلی همچنان پابرجاست؛ چرا چنین سرقتی امکان‌پذیر بوده و چگونه می‌توان از تکرار آن جلوگیری کرد؟

بررسی‌های میدانی و تجربیات هاشمی‌نژاد نشان می‌دهد که موزه شاه نعمت‌الله ولی از حداقل الزامات حفاظتی و شرایط محیطی برای نگهداری نسخ خطی برخوردار نیست، او با تکیه بر تجربیات خود در پروژه‌های مشابه در کاخ گلستان و آستان قدس رضوی، معیارهای بین‌المللی

نگهداری نسخ خطی را با وضعیت موجود در موزه ماهان مقایسه کرده و اظهار می‌دارد که در این مکان، نه شرایط دمایی و رطوبتی استاندارد رعایت می‌شود، نه کنترل آفات و قاچچها و نه حتی حفاظت فیزیکی قابل قبولی وجود دارد.

گرچه اقلیم ماهان به‌طور طبیعی شرایط مناسبی برای نگهداری نسخ خطی دارد، اما نبود سیستم‌های نظارتی و حفاظتی مدرن باعث شده که برخی از آثار در معرض تخریب قرار گیرند. بر اساس برآوردهای کارشناسی هاشمی‌نژاد، نزدیک به ۵۰ تا ۶۰ نسخه خطی در موزه شاه نعمت‌الله ولی وجود دارد که حدود ۱۸ تا ۱۹ مورد از آن‌ها قرآن‌های بسیار ارزشمند هستند. برخی از این قرآن‌ها از جمله نسخ قراحتایی و جزعه‌هایی از قرآن اولجایتو، از نادرترین و گران‌بهارترین نسخ قرآنی جهان محسوب می‌شوند. وجود یک جزء از قرآن اولجایتو، که نسخه‌های مشابه آن در موزه‌های فرانسه و ترکیه نگهداری می‌شوند، بیاترگر جایگاه جهانی این مجموعه است. این نسخه‌ها صرفاً اشیای تاریخی نیستند بلکه منابع علمی و پژوهشی هستند که باید در اختیار دانشجویان و پژوهشگران قرار گیرند. با این حال، موزه شاه نعمت‌الله به جای مکانی برای پژوهش، به محلی برای انبار کردن تبدیل شده است.

**نق متولی موزه: ناتوانی و نبود دغدغه علمی** یکی از نکات محوری در این گفت‌وگو، انتقاد صریح از

سازمان اوقاف به عنوان متولی اصلی موزه است. هاشمی‌نژاد معتقد است که این نهاد نه صلاحیت علمی برای نگهداری آثار دارد، نه دغدغه فرهنگی لازم برای حفاظت از میراث معنوی. از نظر او، اوقاف نگاه "درآمدز" به موقوفات دارد و نسبت به میراث غیرمالی مانند نسخ خطی بی‌تفاوت است.

او همچنین از "ناترازی آگاهی" در مدیریت موزه سخن می‌گوید؛ ناترازی‌ای که موجب شده حتی پیشنهادهایی برای مرمت علمی آثار از سوی دانشگاه‌ها نیز نادیده گرفته شود. در مواردی، تنها یک تماس تلفنی از سوی یک فرد بازنشسته، تأثیر بیشتری از مکاتبات رسمی دانشگاهی برای دسترسی به نسخ داشته است؛ نشانه‌ای از ناکارآمدی ساختارهای قانونی.

**نقش میراث فرهنگی: کم‌کاری یا بی‌توجهی؟**

انتقاد دیگری که در این مصاحبه مطرح می‌شود، متوجه اداره کل میراث فرهنگی کرمان است. هاشمی‌نژاد تأکید می‌کند که تعدادی از نسخه‌های موجود در موزه شاه نعمت‌الله ولی، ثبت ملی و حتی بین‌المللی شده‌اند، اما میراث فرهنگی هیچ نظارت مستمری بر شرایط نگهداری آن‌ها ندارد. از نظر قانونی، اشیای ثبت‌شده ملی و یونسکو باید تحت نظارت میراث فرهنگی باشند، اما مسئولان خود را از این وظیفه مبرا می‌دانند. هاشمی‌نژاد راحل خود را صراحتاً مطرح می‌کند: «خروج مدیریت موزه از اختیار اوقاف و واگذاری آن به نهادی تخصصی‌تر با ساختار کلان‌تر»، با این حال، او مخالف انتقال فیزیکی نسخ به جای دیگر است و معتقد است که با توجه به پیشینه کنایخانه شاه نعمت‌الله ولی که از قرن نهم هجری فعال بوده، انتقال آثار به معنای از بین بردن یک حافظه تاریخی مهم است. به جای آن، باید محل فعلی را استاندارد کرد و زمینه استفاده علمی از منابع موجود را فراهم آورد. / ایرنا

«حمید فدایی»، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده حفاظت و مرمت، در گفت‌وگو با «پیام‌ما» درباره اینکه چرا مرودشت به این شرایط رسیده و چه کاری می‌توان برای نجات آثار تاریخی و باستانی موجود در این دشت انجام داد، می‌گوید: «من یک آمار قدیمی دارم که مربوط به دهه ۹۰ است. زمانی است که ما اولین آثار فرونشست را در مرودشت دیدیم. چیزی حدود ۱۶ هزار چاه در این منطقه حفر شده بود که نیمی از آنها غیرمجاز بودند و همان زمان هم زنگ خطر محسوب می‌شدند. همین امروز نهنتها تعداد این چاه‌ها کمتر نشده است که بیشتر هم شده برای مدیریت این مسئله که بخش عمده آن به برداشتهای خارج از عرف از منابع آب زیرزمینی مربوط است، باید بتوانیم کشاورزی منطقه را مدیریت کنیم و مسئله تغییر الگوی کشت را پیش ببریم. ما تمام دشت را سوراخ سوراخ کرده‌ایم و آب را بیرون کشیده‌ایم. در همین مرودشت چاهی که ۲۰ سال قبل در ۳۰متری به آب می‌رسید، الان در عمق بالای ۳۰۰ متر به آب می‌رسد. تا پنج-شش سال قبل زمین‌هایی که در آنها شالیکاری و گندم‌کاری می‌شد با تخت‌جمشید فاصله داشت، الان تا نزدیکی حریم تخت‌جمشید رسیده‌اند. این نشان می‌دهد ما تهدیدی را که پیش آمده و بسیار جدی است، باور نداریم.» فدایی معتقد است برای اینکه بتوانیم به راهکار مطلوبی برای مواجهه با تأثیرات تغییراقلیم و فرونشست بر میراث‌فرهنگی کشور برسیم، لازم است تحقیقات دقیق و اصولی در مورد شکل آسیب‌ها و روش‌های مقابله با آنها در آثار تاریخی و باستانی مرودشت صورت گیرد: «ما هنوز در زمینه تحقیقات عقب هستیم و نمی‌توانیم وارد فاز راهکار شویم، باید به‌سرعت مطالعات دقیق‌تری را آغاز کنیم و از نظرات صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف در این زمینه استفاده کنیم؛ چون این بحران نیاز به یک دانش میان بخشی دارد.»

فدایی درباره ضرورت تحقیقات در این زمینه می‌گوید: «ما در موضوع حفاظت معتقدیم که گام اول، مطالعه و شناخت است. بدون آگاهی نسبت به ایجاد مسئله، درمانی که می‌خواهیم تجویز کنیم، یک درمان فراگیر و تأثیرگذار نخواهد بود. در ارتباط با محوطه‌ها، می‌دانیم که یک حریم برای آنها تعریف شده است و عرصه‌ای دارند. این حریم غالباً منظری است؛ یعنی سطح زمین در نظر گرفته شده است. ما مداخلات روی زمین، از جمله احداث کارخانه یا ساخت‌وسازهای دیگر را رصد می‌کنیم. اما در شرایط فعلی، دغدغه‌های جدیدی مطرح شده‌اند. کارشناسان می‌گویند در کنار این حریم منظری، باید حریم آبی و هیدرولوژیکی هم در نظر گرفته شود. اما ما هنوز مقیاس این حریم را نمی‌دانیم. معیارها و پهنه آن مشخص

**ایپام‌ما** | **کشاورزی و دامپروری گسترده و تداوم کشت برنج و ذرت، برداشت آب از منابع زیرزمینی به میزان بسیار زیاد موجب فرونشست‌هایی در فاصله ۱۰ متری نقش‌رستم و ۳۰۰ تا ۵۰۰ متری تخت‌جمشید شده است که به‌صورت شکاف‌های عظیم قابل‌مشاهده هستند.**
«این سخنان «مهدی زارع» که در نشست تخصصی «بررسی تأثیر تغییراقلیم بر میراث فرهنگی» مطرح شده است، خبر تازه‌ای نیست. بی‌توجهی مسئولان نسبت به این سخنان نیز تازگی ندارد. وضعیت فرونشست در دشت مرودشت سال‌هاست مرز بحران را گذرانده، اما هنوز چاه‌های غیرمجاز و کشاورزی بی‌ضابطه در این دشت، جان مرودشت را می‌مکد و آن را از درون تپی می‌کند. این روند نهنتها منجر به مرگ این دشت حاصلخیز می‌شود و به‌گفته زارع: «بر تحریک گسل‌های فعال تأثیرگذار است»، بلکه تمام نشانه‌های تمدنی بی‌ظنیر آن را برای همیشه از بین خواهد برد.

نیست؛ زیرا زیر سطح زمین قرار دارد و قابل رؤیت مستقیم نیست. ما زمانی می‌توانیم تأثیرات این حریم را بر میراث‌فرهنگی کاهش دهیم یا مدیریت کنیم که شناخت دقیقی از آن داشته باشیم. تا زمانی که این شناخت حاصل نشود، واقعا مدیریت این مسئله بسیار دشوار خواهد بود.» فدایی درباره موضوع فرونشست و لزوم بررسی دقیق عوامل آن نیز می‌گوید: «حتی در مورد مناطقی که دچار فرونشست شده‌اند و در کنار آنها آثار تاریخی قرار دارد، همچنان با ایهام مواجه هستیم. نمونه بارز آن، نقش‌رستم است. در این منطقه، بنایی با عنوان «کعبه زرتشت» وجود دارد. ترک‌ها و شکستگی‌هایی که بر اثر فرونشست ایجاد شده‌اند، در حال حرکت هستند و از نزدیکی این بنای تاریخی عبور می‌کنند. ما هنوز به‌درستی نمی‌دانیم این پدیده چقدر می‌تواند بر بنا تأثیر بگذارد تا بتوانیم تصمیم بگیریم که چه نوع مداخله‌ای لازم است. پیش‌نیاز هرگونه اقدام، مطالعه و پایش دقیق قیق است. بخشی از این مطالعات آغاز شده است، اما از آنجا که این مسئله یک دانش میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود و متخصصان میراث‌فرهنگی به‌تنهایی دانش کامل آن را ندارند؛ لازم است از ظرفیت‌های علمی دیگر حوزه‌ها، بهره‌برداری شود. در آن‌صورت است که با یک شناخت دقیق، خواهیم دانست چه اقدامی باید انجام داد؛ مثلاً آیا نیاز به مقاوم‌سازی بی‌ها وجود دارد یا باید برای تینعات خشکسالی برنامه‌ریزی کنیم، چرا که تبعات خشکسالی فقط در ترک‌ها و فرونشست‌ها خلاصه نمی‌شود. در آینده ممکن است با پدیده‌هایی مانند گردوغبار، بحران ریزرگرد‌ها و ذرات معلق نیز مواجه شویم که اینها نیز تأثیرات خاص خود را دارند. این آلاینده‌های طبیعی، در کنار آلاینده‌های صنعتی، آثار تاریخی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند.»

**نق لزوم تهیه اطلس فرونشست آثار تاریخی**

یکی از راه‌های رسیدن به یک شناخت دقیق در مورد این بحران پیش‌رونده، داشتن شناخت از وضعیت فرونشست است؛ همان نکته‌ای که «مصومه امیرغیبی»، رئیس اداره ترازبانی سازمان نقشه‌برداری کشور، در نشست تخصصی «بررسی تأثیر تغییراقلیم بر میراث‌فرهنگی» که در پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری برگزار شد، به آن اشاره کرد. او از تهیه اطلس فرونشست برای مناطق مختلف کشور توسط سازمان نقشه‌برداری خبر داد و پیشنهاد تهیه اطلس فرونشست آثار تاریخی ملی و جهانی ایران را مطرح کرد تا با کمک این اطلس آثار در معرض تهدید شناسایی و اقدامات حفاظتی لازم برای آنها انجام شود.

## بافت‌های فرسوده بی‌هویت نیستند

«علی اعطاء» عضو سابق شورای شهر تهران، از دیگران حاضران این نشست با اشاره به مصوبه اردیبهشت ۱۳۹۹ شورای شهر درباره میراث شهر تهران گفت: «در آن زمان مقرر شد همکاری نزدیکی میان شورای شهر و وزارت میراث فرهنگی برای حفاظت از میراث معماری شکل گیرد. این مصوبه گامی مهم بود، اما از سرانجام آن بی‌اطلاع بودم.» اعطا چالش‌های پیش‌روی حفاظت از میراث را در پنج دسته دسته بندی کرد: «چالش‌های فنی، حقوقی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و مدیریتی.» به گفته او ارائه مشوق‌هایی به مالکان بناها یکی از الزامات موفقیت این مسیر است.

همچنین در این نشست «محمد سعید ایزدی» رئیس شرکت بازآفرینی و معاون سابق وزیر راه و شهرسازی، بر اهمیت بهره‌گیری از پایان‌نامه‌های دانشگاهی در سیاست‌گذاری معماری معاصر تأکید کرد و «فریبا کرمانی» رییس پژوهشگاه ابنیه و بافت‌های تاریخی با اشاره به اشتباهات گذشته در برخورد با بافت‌های فرسوده گفت: «منکر اشتباهات گذشته نیستیم، اما باید از این بافت‌ها مراقبت کرد، نه اینکه نسبتا با توقف پروژه‌ها، فکر کنیم آن‌ها را حفظ کرده‌ایم. بافت فرسوده واژه اشتباهی است و باید برای اصلاح این عنوان بکوشیم.» / مهر



در نشست تخصصی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری با حضور جمعی از کارشناسان حوزه معماری و شهرسازی چالش‌های میراث معماری معاصر، بافت‌های فرسوده و سیاست‌های احیا و بازآفرینی شهری بررسی شد. در این نشست «علیرضا ایزدی» مدیرکل دفتر ثبت بناهای تاریخی وزارت میراث فرهنگی، با انتقاد از عملکرد کمیسیون ماده ۱۰۰ گفت: «بساط کمیسیون ماده ۱۰۰ باید جمع شود؛ این کمیسیون یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌ها به بافت‌های شهری بوده است. بافت فرسوده حتی اگر فرسوده باشد، بی‌هویت نیست. متأسفانه نگاه‌های سلیقه‌ای باعث شده که این بافت‌ها را بی‌ارزش بدانیم.» او در ادامه گفت: «در سه دوره تاریخی اخیر، بافت‌هایی که امروز فرسوده شناخته می‌شوند، معماران برجسته‌ای را در دل خود داشته‌اند. اما امروز اقتصاد و ایدئولوژی بر معماری حاکم شده است. حتی خانه‌ای که به کافه تبدیل شود، می‌تواند تبادل نسل‌ها و روایت را در خود حفظ کند.»

ایزدی با اشاره به مشکلات بودجه‌ای گفت: «با ۹۰ میلیارد تومان پول تملک و ۱،۶۰۰ میلیارد تومان بودجه آزادسازی، نمی‌توان انتظار تغییر بنیادین داشت، اما با نگاه علمی و منطقی، می‌توان گام‌هایی برداشت. باید از نگاه‌های سلیقه‌ای فاصله بگیریم و معیارهای ثبت را جدی‌تر و عینی‌تر ببینیم. اگر امروز تهران بی‌هویت شود، برای نسل‌های آینده چیزی باقی نمی‌ماند.»

در بخش دیگر این نشست «عبدالرضا گلپایگانی» معاون اسبق شهرسازی و معماری و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری، گفت: «شهرها موجوداتی خلق‌السانه نیستند؛ هویت تاریخی آن‌ها ریشه در زندگی مداوم دارد و این هویت در آثار معماری نمایان می‌شود. برای تداوم زندگی تاریخی شهر، ثبت آثار کافی نیست؛ بسیاری از بناها ثبت شده‌اند اما زنده نیستند.» او با اشاره به تجربه موفق انتقال حق توسعه (TDR) گفت: «این رویکرد می‌تواند راهکاری برای رفع دوگانگی میان توسعه و حفظ میراث معماری باشد. امیدواریم این طرح در معاونت معماری و شهرسازی به تصویب برسد.»

<div><div><span><span>تراز</span></span></div><span> </span><div><span><span>موزان</span></span></div></div>	<div><b>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور</b></div> <div><b>اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر</b></div> <div>آگهی فقدان سند مالکیت میزان ۴۸۱۶ سهم مشاع از کل ۷۴۱۳ سهم سهام مشاع شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۲۹۹/۲۳۰۲ واقع در حوزه ثبتی شبانکاره شهر شبانکاره</div> <div>آقای عبدالحمید صالحی فرزند اله کریم با کدملی ۶۱۰۹۵۵۸۴۰ ارائه برهه استفسارپدیه محلی و درخواست شماره ۱۱/۱۸۱۱/۱۴۰۴ اعلام نموده است که سند مالکیت میزان ۴۸۱۶ سهم مشاع از کل ۷۴۱۳ سهم سهام مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۲۹۹/۲۳۰۲ واقع در حوزه ثبتی شبانکاره شهر شبانکاره به علت جاه‌جویی مفقود گردیده است که تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده؛ لذا برابر تبصره یک ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب یکبار در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی تا هر کس نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارد و یا سند مالکیت در نزد وی می‌باشد و یا مدعی انجام معامله ای است مراتب از طرف مدت حداکثر ۱۰ روز پس از انتشار آگهی کتبا به اداره ثبت‌اسناد و املاک شبانکاره اعلام در غیر این صورت پس از انقضای مهلت قانونی اعتراض سند مالکیت المثنی وفق مقررات صادر خواهد شد.</div> <div><b>اله مراد زرجو - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک واحد شبانکاره</b></div> <div><b>تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۳/۱۵</b></div> <div><b>م الف: ۲۱۲</b></div>
--	---

<div><div><span><span>تراز</span></span></div><span> </span><div><span><span>موزان</span></span></div></div>	<div><b>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور</b></div> <div><b>اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان آذربایجان غربی</b></div> <div><b>اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بوکان</b></div> <div>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ۳ ماده ۳ قانون و ماده ۱۱۴ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</div> <div>برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه پرونده ۱۰۵۹-۱۴۰۳/۱۱۴۴/۱۴۰۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۶۷ مترمربع از پلاک ۱۰۸ - اصلی واقع در اراضی پاکر محله بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد؛ لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود؛ ازاین‌رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذی‌صلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.</div> <div><b>مهدی شاه مهری - کفیل اداره ثبت‌اسناد و املاک منطقه دو گرگان</b></div> <div><b>از طرف محمد فدرسکی</b></div> <div><b>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۳/۱۵</b></div> <div><b>شناسه آگهی: ۱۹۳۵۲۶۰</b></div>
--	---

<div><div><span><span>تراز</span></span></div><span> </span><div><span><span>موزان</span></span></div></div>	<div><b>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور</b></div> <div><b>حوزه ثبت ملک منطقه دو گرگان</b></div> <div><b>آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف</b></div> <div>آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف</div> <div>برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض علیرضا مقصدولو به شماره شناسنامه ۱۳۱۹۷ به شماره ملی ۲۱۲۰۳۲۷۱۱ صادره از گرگان فرزند حجت اله متقاضی کلاسه پرونده ۱۰۵۹-۱۴۰۳/۱۱۴۴/۱۴۰۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۶۷ مترمربع از پلاک ۱۰۸ - اصلی واقع در اراضی پاکر محله بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد؛ لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود؛ ازاین‌رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذی‌صلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.</div> <div><b>مهدی شاه مهری - کفیل اداره ثبت‌اسناد و املاک منطقه دو گرگان</b></div> <div><b>از طرف محمد فدرسکی</b></div> <div><b>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۳/۱۵</b></div> <div><b>شناسه آگهی: ۱۹۳۲۹۹۴</b></div>
--	---

<div><div><span><span>تراز</span></span></div><span> </span><div><span><span>موزان</span></span></div></div>	<div><b>سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور</b></div> <div><b>حوزه ثبت ملک منطقه دو گرگان</b></div> <div><b>آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف</b></div> <div>آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض رضاعتلی تبرسا به شماره شناسنامه ۱۰۰۴ به شماره ملی ۲۱۱۱۶۳۶۱۰ صادره از گرگان فرزند حسن متقاضی کلاسه پرونده ۱۰۸۳-۱۴۰۳/۱۱۴۴/۱۴۰۳ در شش‌دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۶۷ مترمربع از پلاک ۱۰۸ - اصلی واقع در اراضی پاکر محله بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد؛ لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می‌شود؛ ازاین‌رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق‌الذکر اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذی‌صلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.</div> <div><b>مهدی شاه مهری - کفیل اداره ثبت‌اسناد و املاک منطقه دو گرگان</b></div> <div><b>از طرف محمد فدرسکی</b></div> <div><b>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۲/۲۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۳/۱۵</b></div> <div><b>شناسه آگهی: ۱۹۳۴۰۰۵</b></div>
--	--







دیدگاه

نخل طلا یا پیام سیاسی؟

درخشش سینمای ایران مهم است



فیلم پناهی را دوست نداشته باشند یا بسیاری با موضوع او زویبه داشته باشند، اما واقعیت این است که این جایزه فارغ از هر چیزی جایزه‌ای است که به سینمای ایران داده شده است و در تاریخ سینمای ایران ثبت خواهد شد.

اما جایزه‌هایی از این دست باعث می‌شود به این فکر کنیم در دنیای چندپاره امروز، سینما نقشی فراتر از سرگرمی برعهده دارد. این هنر-رسانه، به پلی بدل شده میان ملت‌ها؛ پلی از جنس روایت، همدلی و فهم. فیلم‌ها با عبور از مرزهای جغرافیایی، زبانی و سیاسی، بستری برای گفت‌وگو و درک متقابل فراهم می‌آورند.

در این میان، سینمای ایران به‌ویژه در دهه‌های اخیر، همواره نقشی پررنگ در معرفی فرهنگ، دغدغه‌ها و روایت‌های زیست‌جهان ایرانی ایفا کرده است. حضور مداوم آثار ایرانی در جشنواره‌های معتبر جهانی، به بازتابی چهره‌ای متفاوت و انسانی از ایران یاری رسانده است.



زینب کاظم‌خواه | روزنامه‌نگار

از زمانی که نام «جعفر پناهی» به‌عنوان برنده جایزه نخل طلا اعلام شده، مواضع تند، متعادل و خنثی بسیاری را دیده‌ایم؛ بعضی این جایزه را نادیده گرفته‌اند، عده‌ای پیرهن دریده و یا را فراتر از انتقاد نهداده‌اند. اما واقعیت این است که گرچه برخی موفقیت جعفر پناهی در جشنواره کن را نتیجه‌ای صرفاً سیاسی می‌دانند، اما این دستاورد بار دیگر نام ایران را بر بلندای سینمای جهان نشانده است. شاید خیلی‌ها

گزارش

درباره نخل طلای کن برای فیلم «جعفر پناهی»

آن «تنهایی پرهیاهو»\*



«جعفر پناهی» دست‌هایش را بالا برد و پشت سرش گره کرد. برای دقایقی با لبخندی به پنهانی صورت، نشسته بر صندلی، نظاره‌گر تشویق بی‌وقفه دیگران شد. انگار که خستگی سال‌ها فیلمسازی در خفا را پشت سرش گره زد و دور انداخت. او برای فیلم «یک تصادف ساده» جایزه نخل طلای هفتادوهمین جشنواره فیلم کن را از دستان «کیت بلانشت» و «ولیت بینوش» دریافت کرد. جایزه‌ای برای دومین بار در تاریخ سینمای ایران و درست بیست‌وهفتمین سال پس از اینکه «عباس کیارستمی» برای فیلم «طعم گیلان» این نخل طلا را با خود به ایران آورد. هرچند که همان بیست‌وهفتمین سال پیش هم مسئولان وقت در برابر این جایزه بزرگ سکوت کردند.



صدف سرداری | روزنامه‌نگار

فیلم‌های منتشرشده در فضای مجازی نشان می‌داد امسال غرفه سینمای ایران در کن خالی بود. خبرگزاری ایسنا روز ۳۰ اردیبهشت نوشته بود چتر سینمای ایران در جشنواره کن تحت عنوان غرفه سازمان سینمایی همانند بسیاری دیگر از سال‌های گذشته برپا شده، ولی طبق شنیده‌ها برخی از نمایندگان بنیاد سینمایی فارابی موفق به دریافت ویزا برای حضور در جشنواره کن نشده‌اند. پاساژ «رائد فریدزاده»، به‌عنوان مدیر بخش بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی، در این رویداد حاضر بود. هرچند که گفته می‌شد «محمد حمیدی‌مقدم»، مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند، انیمیشن و تجربی، و «محمد طیب»، مدیر امور بین‌الملل و جشنواره‌های سازمان سینمایی، به‌عنوان نماینده ایران حاضر بوده‌اند. نگاهی به تصاویر ۱۰ سال پیش هم گویای همین وضع مشابه است. سال ۱۳۹۴ هم این غرفه با هزینه‌ای ۳۰ هزار یورویی در سه روز اول برپایی جشنواره فیلم کن، به محلی برای استراحت و گپ دیگر غرفه‌داران تبدیل شده بود. غرفه‌ای که می‌توانست محلی برای دیپلماسی فرهنگی و معرفی سینمای ایران به جهان باشد. بنابراین، ایران در بخش بازار فیلم طبق آنچه مشاهده می‌شود، چندان موفق نبوده است. باین‌حال، سینمای ایران با حضور سینماگران و فیلمسازان ایرانی در این جشنواره برای سالیان طولانی‌ست که به جهان معرفی می‌شود.

گفت‌وگو

۶۴ سال رقابت در بخش‌های مختلف

سابقه نخستین حضور سینمای ایران در کن به بیش از سه دهه قبل از آن بازمی‌گردد که «زیر درختان زیتون» به‌عنوان یک فیلم بلند نمایش داده شد. ایران در سال ۱۹۶۱ با فیلم «کروشن کبیر» ساخته «مصطفی فرزانه» در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه جشنواره کن حاضر شد. بعد از آن، در سال ۱۹۶۴، فیلم «طلوع فجر» ساخته «احمد فاروقی قاجار» در همین بخش به نمایش درآمد و جایزه شورای عالی تکنیک را از آن خود کرد. در همین سال، فیلم بلند ایرانی «شبه قوزی» ساخته «فرخ غفاری» در بخش هفته منتقدان به نمایش درآمد. اما تا شش سال پس از آن هیچ فیلمی از ایران

موفقیت جعفر پناهی با فیلم «یک تصادف ساده» در جشنواره کن و دریافت نخل طلا، اتفاقی بود که بار دیگر نگاه جهانیان را به سوی سینمای ایران جلب کرد. با آنکه برخی، این جایزه را در چارچوبی سیاسی تحلیل می‌کنند و آن را محصول تقابل‌های فرهنگی و سیاسی می‌دانند، اما واقعیت این است که چنین موفقیت‌هایی را نمی‌توان تنها به مناسبات سیاسی تقلیل داد. در نهایت، این سینمای ایران است که بر سکوی جهانی ایستاده و مورد توجه قرار گرفته است؛ اتفاقی که صرف‌نظر از مناقشات سیاسی، افتخاری فرهنگی برای کشور محسوب می‌شود. نام ایران، به‌واسطه زبان سینما، بار دیگر در میان اهالی فرهنگ و هنر جهان طنین‌انداز شده است.

یکی از وجوه ماندگار سینما، توانایی آن در استخراج معناهای انسانی از دل بحران‌ها و واقعیت‌های تلخ است. سینما با بهره‌گیری از زبان تصویر، می‌تواند پیام‌هایی از همدلی، اتحاد و اخلاق انسانی را در بستر رویدادهایی چون جنگ، بحران‌های اجتماعی یا تحولات سیاسی منتقل کند. این رسانه، فراتر از مرزها و پرچم‌ها، روایت‌هایی خلق می‌کند که انسان را نه به‌عنوان عضوی از یک ملت خاص، بلکه در مقام موجودی جهانی و شریک در رنج‌ها، امیدها و آرزوهای مشترک نشان می‌دهد. این نگاه در بسیاری از آثار سینمایی امروز نیز به چشم می‌خورد. آثاری که ضمن بازتاب زندگی و دغدغه‌های مردم کشور خود، تصویری انسانی از «دیگری» ارائه می‌دهند؛ تصویری که از موانع زبانی، فرهنگی و سیاسی عبور می‌کند و مخاطب جهانی را به گفت‌وگویی تازه دعوت می‌کند. در چنین بستری است که سینما، به‌جای ابزاری صرفاً هنری یا سرگرم‌کننده، به رسانه‌ای برای دیپلماسی فرهنگی و پل‌سازی میان ملت‌ها بدل می‌شود.

سینمای متعدد، چه در قالب آثار اجتماعی و چه در شکل فیلم‌های سیاسی و تاریخی، می‌تواند در خدمت دیپلماسی فرهنگی قرار گیرد. امروز بیش از هر زمان، نیازمند ابزارهایی هستیم که بتوانند از دل روایت و تصویر، فهم متقابل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را تقویت کنند. از این منظر، حتی اگر نخل طلای جعفر پناهی را برخی از درجه‌های سیاسی ببینند، باز هم نمی‌توان نقش این جایزه را در تقویت جایگاه بین‌المللی سینمای ایران و ارتقای اعتبار فرهنگی کشور نادیده گرفت. این موفقیت، همچون دیگر افتخارات جهانی سینماگران ایرانی، نشانی است از اینکه روایت ایرانی صدایی برای شنیده شدن در جهان دارد.

«ده» به کارگردانی کیارستمی در سال ۲۰۰۲ با ساختاری متفاوت و تجربی در جشنواره کن حضور پیدا کرد. هرچند این فیلم در جشنواره به موفقیتی دست نیافت، اما همچنان از سوی منتقدان به‌عنوان یکی از آثار برجسته کیارستمی شناخته می‌شود. کیارستمی در سال ۲۰۱۰ نیز با فیلم «کبی برابر اصل» در جشنواره کن حضور پیدا کرد و ژولیت بینوش برای ایفای نقش خود در این فیلم موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر زن شد. اگرچه باز هم نخل طلا به این فیلم نرسید. در سال ۲۰۱۶، «اصغر فرهادی» با فیلم «فروشنده» موفق به کسب جایزه بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر مرد (برای شهاب حسینی) در جشنواره کن شد. چند سال بعد، فرهادی با فیلم «قهرمان» در سال ۲۰۲۱ در جشنواره کن حضور داشت و توانست جایزه بزرگ هیئت داوران را بدست آورد. سال ۲۰۲۲ نیز سالی پرچاشیه برای سینمای ایران در کن بود. فیلم «برادران لیلیا» به کارگردانی «سعید روستایی» که هیچ‌گاه به ارکان در سینمای ایران نرسید، در جشنواره کن ۲۰۲۲ حضور یافت. هرچند جایزه‌ای نصیب این فیلم نشد، اما حضور این فیلم توانست باعث شهرت روستایی شود. تا امسال که او با فیلم «زن و بچه» بار دیگر به این جشنواره رفت. هرچند که باز هم دست خالی جشنواره را ترک کرد. نگاهی به حضور فیلمسازان ایرانی در این جشنواره بین‌المللی نشان می‌دهد کیارستمی با حضور در بخش‌های مختلف کن طی سال‌های متعدد، پرتکرارترین حضور را داشته است.

کتاب «بادکنک سفید» تا «یک تصادف ساده»

کن به‌عنوان بزرگترین جشنواره سینمایی جهان در شب اختتامیه هفتادوهمین دوره خود، یک تاریخ‌سازی برای سینمای ایران به‌همراه آورد. باین‌حال، حضور جعفر پناهی در این جشنواره به سالیان دور بازمی‌گردد. او در سال ۱۹۹۵ با فیلم «بادکنک سفید» توانست توجه‌ها را در جشنواره کن جلب کند. این فیلم موفق به کسب جوایز مهمی از جمله دوربین طلایی، بهترین فیلم در بخش پانزده روز کارگردانان و جایزه فیپرشی (فدراسیون بین‌المللی منتقدان سینما) شد. سال ۲۰۰۳ نیز با فیلم «طلای سرخ» جایزه هیئت داوران بخش نونهالان را گرفت. سال ۲۰۱۱ هم مستند «این یک فیلم نیست» ساخته مشترک «مجتبی میرطهماسب» و پناهی در خارج از مسابقه بخش رسمی کن به‌عنوان نماینده سینمای ایران به نمایش درآمد. او بار دیگر در سال ۲۰۱۸ با فیلم «سه رخ» در بخش مسابقه جشنواره کن حاضر شد. تا امسال که باز هم در مقام فیلمساز در این جشنواره حاضر شد و نخل طلای کن را دریافت کرد. گارین درباره او نوشته است «پناهی شایسته دریافت نخل طلا بود». «پتیر برداشو» درباره او نوشته: «پناهی، هنرمندی است که برخلاف سایر کارگردانان حاضر در رقابت کن، واقعا رنج برده». هالیوودریپورتر هم پیشتر در نقدی درباره این فیلم نوشته بود «مثل همه فیلم‌های پناهی، یک تصادف ساده از اولین تا آخرین فریم به طرز هنرمندانه‌ای ساخته شده است.» باین‌حال، هیچ مقام سیاسی به دریافت این جایزه واکنش نشان نداده است. فقط «محمدعلی ابطحی»، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و معاون سابق محمد خاتمی در زمان ریاست‌جمهوری، نوشت: «آقای جعفر پناهی عزیز، اهدای نخل طلای جشنواره کن مبارک شما و ملت ایران.» مشابه این اتفاق درباره کیارستمی هم رخ داد. تنهایی عمیقی که او در بازگشت به ایران تجربه کرد و «اصغر فرهادی» در خاطراتش بعد از حضور فیلم «فروشنده» در کن گفته بود: «هنگامی که از کن به ایران بازگشتم، در فرودگاه به شهاب حسینی گفتم که همین مسیر را عباس کیارستمی به‌همراه نخل طلا آمده، اما عده‌ای در فرودگاه ایستاده بودند تا او را بزنند.» کیارستمی جایزه نخل طلای کن را متعلق به همه ایران می‌دانست، اما می‌گفت از سوی مسئولان سینمای ایران هیچ تبریکی دریافت نکرد: «فکر می‌کنم این مسئله پیش از اینکه به خود این مسئولان مربوط شود، به فرهنگ و سنت‌های جامعه ما مربوط می‌شود که مطابق این دید سنتی همیشه تشبیه سریع‌تر از تشویق نمود پیدا می‌کند.» او در تنهایی پرهیاهویی این جایزه را کسب کرد؛ دیدمشدن در خارج از کشور و طردشدن از سوی مسئولان داخلی. مثل پناهی که در کن تشویق شد، طولانی اما خارج از وطن.

«اشرف» به کتاب «تنهایی پرهیاهو» نوشته «بهیومیل هرابال»، نویسنده اهل چک

سینمای جهان

کن ۷۸؛ درخشش سینما میان سیاست و بحران



هفتادوهمین جشنواره فیلم «کن» با تمرکز بر موضوعات جهانی، سیاسی و انسانی برگزار شد. جشنواره با نمایش فیلم‌هایی در حمایت از اوکراین آغاز شد و آثاری درباره کشتار در غزه نیز در بخش‌های مختلف به نمایش درآمد. قطعی برق گسترده در روز پایانی، موجب اختلال‌هایی شد، اما با ژنراتورهای اضطراری، مراسم اختتامیه بدون توقف ادامه یافت.

«ژولیت بینوش» به‌همراه هیئتی متشکل از سینماگران برجسته از کشورهایی چون ایتالیا، آمریکا، هند، فرانسه، مکزیک و کره جنوبی جوایز را اهدا کردند. علاوه بر بینوش، هیئت داوران امسال که اکثریت آن را زنان تشکیل می‌دهند، شامل «آلیا روراچر» بازیگر ایتالیایی، «پاپال کاپادیا» فیلمساز هندی، «لیلا سلیمان» نویسنده فرانسوی-مراکشی، «هالی بری» و «جرمی استرانگ» ستارگان آمریکایی، «هونگ سانگسو» فیلمساز کره‌جنوبی، «کارلوس ریگاداس» کارگردان مکزیک و «دیویدو حمادی» فیلمساز کنگویی بودند.

در میان برندگان، فیلم «ارزش احساسی» ساخته «یواخیم تریه» جایزه بزرگ را برد. «نادیا ملتی» برای بازی در «خواهر کوچک» بهترین بازیگر زن شد و «واگنر مورا» برای بازی در «مأمور مخفی» بهترین بازیگر مرد. فیلم «مأمور مخفی» همچنین جایزه بهترین کارگردانی را برای «کلیبر مندونسا فیلیو» به ارمغان آورد. جایزه فیلمنامه به «ژان پیر» و «لوک دارن» برای فیلم «مادران جوان» رسید. جایزه هیئت داوران به‌طور مشترک به فیلم‌های «سیرات» از «الیویه لاکس» و «صدای سقوط» از «ماشا شیلیپسکی» اهدا شد. جایزه ویژه هیئت داوران نیز به «بنی گان» برای فیلم «رستاخیز» تعلق گرفت. در بخش «نگاه نومی»، فیلم «نگاه مرموز فلامینگو» ساخته «دیه‌گو سسپدس» جایزه اصلی را کسب کرد. جایزه بهترین کارگردانی این بخش به «طرزان» و «عرب ناصر» برای «روزی روزگاری در غزه» تعلق گرفت. «حسن هادی» برای فیلم «کیک رئیس‌جمهور» موفق به دریافت دوربین طلایی شد. او اولین فیلمساز عراقی بود که از کن جایزه‌ای دریافت می‌کند. در بخش فیلم کوتاه، «توفیق بروم» برای «خوشحالم که الان مرده‌ام» نخل طلا را برد و «عدنان الراجیف» برای «علی» مورد تقدیر قرار گرفت.

حاشیه

مثلثی درخشان بر صحنه کن ۲۰۲۵

سینما، فرهنگ، مد



مریم محمودخواه | روزنامه‌نگار

بودند. «اما استون» با لباس لولوی ویتون و «آبری پلازا» با لباس شفاف و درخشان، از جمله ستارگانی بودند که با این سبک درخشیدند. در این دوره، حضور هنرمندان ایرانی نیز چشمگیر بود. جعفر پناهی با فیلم «یک تصادف ساده» نتایج نخل طلا را بدست آورد، بلکه با حضور در فرش قرمز، توجه‌ها را به سمت خود جلب کرد. لباس‌های بازیگران ایرانی، ترکیبی از سنت و مدرنیته را به نمایش گذاشتند. در این دوره، فیلم ایرانی «زن و بچه» که کارگردانی سعید روستایی، با روایت تأثیرگذارش توجه‌ها را جلب کرد و حضور بازیگران و عوامل آن بر فرش قرمز، نمادی از تلفیق فرهنگ ایرانی با مد جهانی بود. «پریناز ایزدیار»، بازیگر نقش اصلی، با لباسی از طراح ایرانی که از پارچه‌های سنتی با دوخت‌های مدرن بهره می‌برد، جلوه‌ای از اصالت و نوآوری را به نمایش گذاشت. رنگ‌های ملایم آرایش و جزئیات ظریف لباس شکی او، هماهنگ با تم فیلم و شخصیت‌پردازی‌اش بود.

جشنواره فیلم کن ۲۰۲۵ بار دیگر به صحنه‌ای برای نمایش اوج خلاقیت و تنوع در دنیای مد تبدیل شد. با وجود اعمال قوانین جدیدی درباره پوشش، از جمله ممنوعیت میهم لباس‌های حجیم و برهنگی، بسیاری از ستارگان با انتخاب‌های جسورانه و خلاقانه، مرزهای این محدودیت‌ها را به چالش کشیدند.

با وجود این محدودیت‌ها در جشنواره کن ۲۰۲۵، ترکیب غالب لباس‌های بازیگران ترکیبی از سنت و نوآوری بود که با تأکید بر یادآوری، طراحی‌های جسورانه و بازگشت به آرشیه‌های مد همراه بود و بسیاری از ستارگان با انتخاب لباس‌هایی از آرشیه بردن‌های معتبر، به گذشته ادای احترام کردند. برای مثال، «مارگارت کوالی» با لباس صورتی از شتل که الهام‌گرفته از طراحی دهه ۹۰ بود، درخشید. تعدادی از بازیگران با لباس‌های فرهنگ و سنت‌های بومی را به نمایش گذاشتند؛ «آلیا پها» با لباس الهام‌گرفته از ساری هندی و «دیپیکا پادوکن» با لباس‌هایی از طراحان هندی، نمونه‌هایی از این روند بودند. همچنین، لباس‌های با درخشش بالا، از جمله با پولک و کریستال، همچنان محبوب

برای صنعت مد ترسیم کرد.